



روحانی: آمریکایی‌ها فهمیده‌اند که چه اشتباه بزرگی کردند

گروه سیاست: خروج آمریکا از برجام دوساله شد؛ اتفاقی که حسن روحانی روز گذشته آن را احمقانه و لجبازی دونالد ترامپ با باراک اوباما خواند. ۱۸ اردیبهشت ۹۷، رئیس‌جمهور آمریکا همان‌طور که در تبلیغات انتخاباتی خود به هوادارانش...

صفحه ۲

سال هفدهم • شماره ۳۷۱۴ • ۱۶ صفحه • ۵۰۰۰ تومان



تولید خوب اقتصاد را در مقابل ویروس‌های مهاجم ایمن می‌کند

پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مقام معظم رهبری دیروز به مناسبت هفته کار و کارگر، در ارتباط تصویری مستقیم و سه‌ساعته با هفت مجموعه تولیدی ضمن تأکید بر نقش و اهمیت جایگاه کارگر...

صفحه ۳



پنجشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۹ • ۱۳ رمضان ۱۴۴۱ • ۷ می ۲۰۲۰

سرمقاله

انتخابات آمریکا بازی سرنوشت یا بازی سیاسی؟

احمد عظیمی‌بلوریان • استاد پیشین مریلند



جمع‌بندی اولیه انتخابات آمریکا با قطعی شدن نامزدی جو بایدن از سوی رأی‌دهندگان و بدنه حزب دموکرات آمریکا به پایان رسید. حزب جمهوری‌خواه نیازی به گذران از این مرحله را ندارد؛ زیرا نامزدی دونالد ترامپ برای ریاست‌جمهوری در چهار سال آینده قطعی است. اما اینکه بایدن چقدر شانس انتخاب‌شدن در رقابت با ترامپ را دارد، مسئله‌ای بسیار پیچیده و چند بُعدی است. نخست اینکه موج دوم حملات به بایدن با مطرح‌کردن تعرض به زنان از چند روز پیش آغاز شده است؛ البته بایدن این اتهام را تکذیب می‌کند. پیشینه چنین اتهامی از زمان انتخابات کلینتون در آمریکا وجود دارد و به نظر می‌رسد از ابزار حزب جمهوری‌خواه برای مقابله با حزب دموکرات باشد. درحالی‌که رئیس‌جمهور کنونی آمریکا در داشتن روابط با زنان شهره عام است، استیضاح کلینتون به دلیل افشاشی مشابهی صورت گرفت. پیش‌بینی پایان این ماجرا هنوز زود است. دوم اینکه تا گزینش جو بایدن به‌عنوان کاندیدای حزب دموکرات، تلاش جمهوری‌خواهان متمرکز بر اختلاف‌افکنی میان کاندیداهای دموکرات بود که هزینه زیادی برای حزب جمهوری‌خواه دربر داشت. امروز تنها یک نفر یعنی جو بایدن هدف آتش تبلیغاتی جمهوری‌خواهان قرار دارد که هزینه کمتر و نتیجه بهتری دارد. سوم، تعهد ضمنی بایدن به طرفداران خود که در صورت پیروزی در انتخابات برای معاونت خود از یک زن استفاده خواهد کرد...

ادامه در صفحه ۴

آیت‌الله جنتی از مجلس بابت ارائه‌نکردن اصلاح قانون انتخابات انتقاد و به طرح اخیر نمایندگان اعتراض کرد

۲۲ گواه خلاف نظر دبیر شورای نگهبان

صفحه ۲

میرسلیم به دنبال وزن‌کشی با قالیباف

مصاف مؤتلفه با حامیان شهردار سابق



صفحه ۲

تنترها

۴۰ سال پس از گروگان‌گیری

گفت‌وگوی «سان» با فرمانده عملیات نجات گروگان‌های سفارت ایران در لندن

صفحه ۱۵

چرا آمار بهبودیافتگان کرونا در ایران این‌قدر بالاست؟

صفحه ۱۳

زنوزی متهم می‌کند

صفحه ۱۴



در نقد مقاله محسن امین‌زاده

سلیمی‌نمین: قدرت ملی یا قدرت بازدارندگی؟

صفحه ۶

حرف اول

پروا و کرونا

مریم نصر امفغانی



بشر در حال دست‌وپنجه نرم‌کردن با بحران بی‌سابقه‌ای است؛ ویروسی نادیدنی بالغ بر سه میلیون نفر را مبتلا کرده که از میان آنان ده‌ها هزار نفر جان باخته‌اند. میلیون‌ها نفر در سراسر زمین در خانه‌های خود محبوس شده‌اند و هفته‌هاست از دیدار خانواده، همکاران و دوستان خود محرومند. در ظاهر و با توصیه به کاهش مرادوات اجتماعی، تعطیلی مکان‌های عبادی و عمومی و فاصله‌گذاری فیزیکی برای مقابله با شیوع این بیماری، تو گویی آدم‌ها تنها ترسیده‌اند و هیچ پناهگاهی جز کنج خلوت خانه‌های خود ندارند. درعین‌حال، به نحو شگفت‌انگیزی فرزندان آدم و حوا دوباره یک خانواده شده‌اند. خانواده چند میلیاردری که اگر خواهان ادامه حیات روی سیاره‌اند، باید از وسوسه‌های بسیاری چشم‌پوششند و در سال‌های پس از عبور از این بحران، با گذشت و قناعت بیشتری روزگار بگذرانند. این روزها بیشتر از هر زمان دیگری این باور فیلسوفان اخلاق مراقبت خود را نشان می‌دهد که بنیان شرایط انسانی «وابستگی» است. انسان‌ها وقتی به این جهان وارد می‌شوند، کاملاً وابسته‌اند و اگر به سن پیری برسند، عموماً در وابستگی به دیگران می‌میرند. آدمیان بالغ هم در مواقع بیماری، جراحت یا آسیب روانی به‌شدت به دیگران وابسته‌اند. امروز می‌توانیم این واقعیت را ببینیم که همه آدم‌ها حتی افراد سالم بالغ عاقل نیز در شرایطی مانند همه‌گیری کرونا عمیقاً به یکدیگر وابسته‌اند. این تجربه منحصر‌به‌فرد بشری درک بهتری از وابستگی برای تک‌تک ما فراهم کرده است. اگر همه رعایت کنیم، همه جان به در بده‌ایم. جایی برای سرکشی و خودآیینی خودخواهانه ملت‌ها و دولت‌ها باقی نمانده است. در تفکر فلسفی غربی از مفهوم مراقبت/ پروا (care) در دو معنای متفاوت و مرتبط صحبت شده است؛ از یک سو نزد فیلسوفانی مانند هایدگر با تأکید بر معنای (care) به معنی اضطراب از شرایط انسانی و برساننده سرشت آدمی (هستی میان دو عدم) صحبت شده و از سوی دیگر نزد فلاسفه فمینیست به معنای مراعات، مواظبت و مراقبت (بنیان رابطه اخلاقی که رفتار و زندگی اخلاقی را رفتار و زندگی‌ای می‌داند که بر مدار مراقبت سامان یافته باشد). پس از جنگ جهانی دوم بود که اضطراب حاکم بر روابط و مناسبات انسانی، مفهوم مراقبت را از ساختی وجودشناسانه نزد هایدگر به اخلاق و روان‌شناسی وارد کرد و پروراند.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

رستم در راه مازندران



مهدی افشار

اشاره

آنکه نام یزدان را بشنید، چهره‌اش دگرگون و سرشت زشت و پلشتش نمایان شد. رستم در یک لحظه جام بینداخت و کمند برگرفت و سر زن جادو را به بند کشید و به او گفت: «که هستی، واقعیت خویش را بنما» و آن‌گاه در کمند کهنه پیری ظاهر شد بر آژنگ و بر نیرنگ و رستم میناش را با خنجر به دومین کرد. یکی تاس می‌بر کشش برنهاد / ز دادار نیکی دهش کرد یاد/ چو آواز داد از خداوند مهر / دگرگونه‌تر گشت جادو به چهر/ سیه گشت چون نام یزدان شنید / تهمتن سبک چون درو بنگرید/ یکی کهنه پیری شد اندر کمند / بر آژنگ و نیرنگ و بند و گزند/ میناش به خنجر به دو نیم کرد / دل جادوان زو بر از بیم کرد رستم از آن بیشه راه مازندران را در پیش گرفت و به جایی رسید که در آنجا نشانی از روشانی نیافت. حال آنکه می‌دانست هم‌اکنون نیمروز است و باید خورشید در آسمان نورافشانی کند؛ تاریکی و تیرگی آن چنان زرقا گرفته بود که گویی خورشید به بند کشیده شده است و ستاره در خم کمند گرفتار آمده. رستم عنان اسب را رها کرد تا رخس با غریزه خویش به پیش رود و در برابر خود نه بلندایی را می‌دید و نه فرویدن جایی را. رخس نرم‌ترمک تاریکی و تیرگی را درنوردید و چون زمانی بدین‌گونه سپری شد، به جایی رسید که همه نور بود و روشنی و زمین چون پرنیایی سبز. در آن پهن‌دشت که جهان از پیری جوان گشته بود، خواب راه بر رستم بیست. به همین روی کلاه‌خود خوی‌نشسته را از سر و پیر بیان را از تن و لگام را از رخس برگرفت و در پرتوی آفتاب به خوابی شیرین فرو رفت. دشتبانی چون اسبی بلندقامت و هیون‌وش را در میان کشتزار به چرا دید، زبان به ناسزا گشود و با خشم به طرف رخس و رستم شتافت و با چوبی که در دست داشت، بر پای رستم کوفت و چون رستم بیدار شد، به خشم گفت: «ای نابخرد اهرمن‌خوی، چرا اسب خود را در میان گندم‌زار رها کرده‌ای که این‌گونه گندم‌های سبزشده را بخورد و زمین را لگدمال کند؟». رستم خشمگین از جای خود برخاست و هیچ نگفت؛ تنها دو گوش دشتبان بگرفت و از بن برکند. دشتبان شگفت‌زده از این همه نیرو و توان، نالان و خونین‌چهر به نزد یکی از پهلوانان به نام اولاد شتافت و به او گفت که مردی پلنگینه‌پوش با من چنین کرد. اولاد، چون این سخن شنید، با گروهی از یاران خویش اسب را به سوی تازاند که دشتبان نشان داده بود و زمانی به رستم رسیدند که بر رخس نشسته، سودای ترک آن کشتزار را داشت. اولاد خشمگین چون ابری تندرآسا پرسید: «تو که هستی و شاه تو کیست؟ چگونه جسارت آن را یافته‌ای از اینجا که زیستگاه پهلوانان است، بگذری؟».

ادامه در صفحه ۲

«چه خوب است که یک رزمایش گسترده‌ای در کشور به وجود بیاید برای مواسات و همدلی و کمک مؤمنانه به نیازمندان و فقرا که این اگر اتفاق بیفتد، خاطره‌ی خوشی را از امسال، در ذهن‌ها خواهد گذاشت»



کمکم رزمایش را

شماره حساب جاری طلایی نزد بانک سپه
بنام حوادث غیرمترقبه سازمان بسیج

شماره حساب ۵۱۵۱۸۱۸۰۸۶۰۱۱
شماره شب ۱۸۰۳۰۱۵۰۰۰۰۰۰۵۱۵۱۸۱۸۰۸۶۰۱۱
شماره کارت ۵۸۹۲۱۰۱۲۱۴۴۸۵۲۰۹

#۱۱*۸۸۰*

